

بسم الله الرحمن الرحيم

دادگاه صالح برای رسیدگی به ضرورت و حرج و شیوه رسیدگی به آن

موضوع تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۶۳/۷/۲۹

گزارشی از جلسات بحث و مشاوره دادگاههای صلح تهران

۱ - هدف از تشکیل جلسات و چگونگی کار

به منظور تقویت بنیه علمی و حقوقی و تداوم روش مباحثه و تشحیذ ذهن دادرسان و یافتن راه حل در موارد ابهام و اجمال قوانین و انطباق موارد عملی با مواد قانونی و مسائل علمی، قضات دادگاههای صلح تهران ماهی دوبار گرد هم می‌آیند و به بررسی مشکلات اداری و مسائل قضائی مورد ابتلاء میپردازند. روش کار بدینگونه است که موضوع مورد توجه و قابل بحث به عنوان دستور جلسه قبلا به اطلاع کلیه قضات دادگاههای صلح میرسد و قضات با سابقه ذهنی و بررسی و مطالعه لازم در جلسه حضور می‌یابند. مسائل مورد توجه و قابل بحث، مسائلی هستند که در عمل، یعنی به هنگام رسیدگی به پرونده‌های متعدد و متنوع حقوقی برای قضات مطرح شده‌اند و یا مربوط به پرونده‌های نوظهور، بی‌سابقه و مهم و پیچیده می‌باشند.

به هنگام تشکیل جلسه، بدو موضوع یا مساله مورد نظر مطرح میشود، سپس قضات به نوبت درباره آن به اظهار نظر میپردازند، چنانچه بحث و گفتگوی یک جلسه برای حل مساله کفایت نکند، جلسه دیگری نیز به موضوع اختصاص می‌یابد و در هر حال پس از اعلام کفایت مذاکرات، نتیجه بحث عرضه میشود و به گونه‌ای نیز رأی‌گیری بعمل می‌آید. روشن است که این رأی‌گیری حتی در مقام اتفاق آراء جنبه علمی و مشورتی دارد.

مطالعه بحث‌ها و گفتگوهای این جلسات برای دانشجویان حقوق و محققان بی‌فایده نیست. کلاسهای

تمرین و دروس عملی دانشکده‌های حقوق و کارآموزیها رامیتوان با استفاده از این مذاکرات فعال و پربار کرد. تنظیم یک متن حقوقی با طرح فنی و علمی، در باره یک مساله با بهره‌جوئی از اجزائی که اینجا و آنجا در صورت مذاکرات جلسه مربوط به آن مساله آمده است، از بهترین تمرینهای حقوقی است و دانشجوی و کارآموز را برای تنظیم مقاله حقوقی و گزارش فنی و علمی و نظایر آن، ورزیده می‌نماید.

گزارش زیر، مطابق روشی که بدان اشارت شد با استفاده از کلیه اجزای مذاکرات یکی از این جلسات که در تاریخ ۶۳/۱۱/۱۱ با شرکت قضات دادگاههای صلح تهران تشکیل گردیده، تنظیم و تدوین شده است.

۲ - گزارش جلسه مورخ ۶۳/۱۱/۱۱

مقدمه: طرح مساله

میخواهیم بدانیم که دادگاه صالح مذکور در تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۶۳/۷/۲۹ مجلس شورای اسلامی، کدام دادگاه و شیوه رسیدگی به موضوع چگونه است. ماده ۱۰ و تبصره ۱ آن به شرح زیر است:

۱ - این جلسه به ریاست جناب آقای نویخت رئیس دادگاههای صلح تهران و با شرکت آقایان قضات دادگاههای صلح تشکیل گردید: جنابان آقایان: اصغری جباری زاده - جلیاوند - حیدری - مقدم - خرازی - شمسائی - فرض پور - کلانتریان لطفی - ناظر - دربعث شرکت داشته‌اند صورت مذاکرات توسط جناب آقای سهراب تهیه شده است

فرد یا دستگاهی اقامه شود و دادخواست تسلیم گردد و یا صرف درخواست کفایت میکند و اقامه دعوی به طرفیت فرد یا دستگاه مطرح نمی باشد.

۱ - دادگاه صالح کدام است ؟

الف - دادگاه صالح دادگاه صالح است:

زیرا درخصوص طرح مساله حرج و ضرورت ، آنچه اهمیت دارد ، جنبه فوریت امر است که بنا بر آن نباید تابع تشریفات دادرسی باشد و رسیدگی بدین ترتیب ، با طرح دعوی در دادگاه عمومی که مدتی بطول میانجامد منافات دارد حال آنکه رسیدگی در دادگاه صالح جنبه فوری دارد و به نفع مدعی حرج و ضرورت است . علاوه براین ، نظر به اینکه مرجع صالح ، در مورد فروش دادگاه صالح است ، باید به این نتیجه رسید که در خصوص حرج نیز دادگاه صالح میتواند به موضوع رسیدگی کند به ویژه آنکه حرج و ضرورت عنوان شده دائر مدار فروش است و اذن شئی ، اذن در لوازم آن شئی نیز هست و گرفتاری و حرج مشمول ، مانعی است برای فروش و بنابراین همانطور که به اصل مطلب دادگاه صالح میرسد رسیدگی به مانع را نیز میتوان در صلاحیت دادگاه صالح دانست .

ب - دادگاه صالح ، دادگاه عمومی است ، نه دادگاه صالح ، زیرا :

اولاً : مطابق ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی ، صلاحیت دادگاههای صالح احصاء شده و مشخص است و در هیچ یک از موارد احصاء شده ذکرى از این مساله نشده است . و با توجه به اینکه اصل در عدم صلاحیت دادگاه صالح است ، باید نتیجه گرفت که دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به این امر را دارد .

ثانیاً : این قضیه اصولاً غیرمالی است و ماهیتاً فروش مطرح نیست . و بنابراین با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون آئین دادرسی مدنی و نیز ماده ۱۷ لایحه قانون تشکیل محاکم عمومی رسیدگی به آن به عهده دادگاه عمومی است . مضافاً اینکه ماده ۱۷ لایحه تشکیل محاکم عمومی عام است و ماده ۱۳ قانون

«ماده ۱۰ : انجاء امور زیر درمورد مشمولین وظیفه عمومی مستلزم ارائه مدرک دال بر رسیدگی به وضع مشمولیت آنان از اداره ، وظیفه عمومی میباشد و فتوکپی مدرک ارائه شده از جمله منضمات ضروری پرونده متشکله میباشد .

الف : شرکت در آزمایشات رانندگی و اخذ گواهینامه .

ب : دریافت هر گونه وام و کمکهای کشاورزی و صنعتی و دامداری و مسکن از طریق وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادهای قانونی .

ج : کاندیدا شدن جهت انتخابات مجلس شورای اسلامی و سایر شوراها و انجمنهای قانونی .

د : تحویل اصل گواهینامه یا پایان نامه دوره های تحصیلی دیپلم و بالاتر از وزارتخانه مربوطه .

ه : صدور پروانه کسب و اجازه اشتغال و عضویت در شرکتهای تعاونی .

و : ثبت هرگونه ، نقل و انتقال غیر قهری اموال بطور مستقیم و غیرمستقیم در دفاتر اسناد رسمی .

ز : دریافت مستیری از سازمانهای دولتی و وابسته و نهادهای قانونی .

ح : استخدام به هر صورت (رسمی ، پیمانی ، روزمزد و خرید خدمت) در وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادهای قانونی و شرکتهای دولتی .

تبصره ۱ در موردی که ضرورت یا حرج ایجاب کند که معاملات مشمول ثبت گردد مانند اموال مشترک که عدم ثبت اموال مشمول موجب زیان مالی به شرکاء دیگر گردد ثبت اموال مشمول بلامانع است تشخیص موضوع به عهده محاکم صالحه است .

بطور خلاصه در این مبحث دو مساله را باید مورد بررسی قرار داد :

- ۱- دادگاه صالح کدام است ؟
- ۲- آیا رسیدگی به این امر توسط دادگاه صالح به عنوان دعوی تلقی میشود؟ که لزوماً بایستی به طرفیت

آئین دادرسی مدنی در مقام بر شمردن صلاحیتهای خاص دادگاه صالح است، و بر این مطلب نیز صراحت دارد که «جز آنچه در ماده ۱۳ پیش‌بینی شده است بقیه موارد در صلاحیت دادگاه عمومی است.»

تبصره - چنانچه قضیه را مالی بدانیم، آنگاه مساله تقسیم دعاوی مالی با توجه بنصاب پیش می‌آید که در واقع با عنایت به این نصاب باید دادگاه صالح را تشخیص داد. اما مالی دانستن امر خالی از وجه است.

۲ - آیا اعلام حرج و ضرورت، دعوی است و باید طرف داشته باشد؟

الف - اعلام حرج و ضرورت دعوی است و بنابراین باید طرف داشته باشد.

از لحاظ شکلی این تقاضا باید به صورت دادخواست باشد و همانطور که در دادخواست اعمار از هزینه دادرسی، عمل میشود و مدارک دال بر اعمار ضمیمه دادخواست میگردد، در واقع در اینجا نیز ادعائی وجود دارد و باید تکلیف این ادعا روشن شود. هر کس ادعائی میکند باید آن را اثبات کند و وقتی ادعا قبول شود، پس بایستی مدعی علیه هم وجود داشته باشد. اکنون باید دید مدعی علیه چه فرد یا چه دستگاهی میتواند باشد.

۱ - مقابل این ادعا، نظام وظیفه است، زیرا در ارتباط با مشمول قرارداد و متعارض و متقابل با وی است. چون در صدر ماده ۱ آمده است که انجام امور مربوط در مورد مشمولین وظیفه عمومی مستلزم ارائه مدارک دال بر رسیدگی به وضع مشمولیت آنان از اداره وظیفه عمومی است مضافاً اینکه قانون‌گذار به حمایت از نظام وظیفه، موارد و مقرراتی را پیش‌بینی می‌کند.

۲ - طرف دعوی دفترخانه ایست که از ثبت یا

انتقال سند جلوگیری میکند.

ب - اعلام حرج و ضرورت دعوی نیست و طرف هم نمیخواهد.

اعلام حرج و ضرورت یک دعوی نیست. زیرا اصل اینست که هر کس که شرائه، اساسی انجام معامله را داشته باشد میتواند معامله کند. قانون برای آنکه افراد را ملزم کند که از سر بازی فرار نکنند محدودیتی بوجود آورده است. دادگاه آنچه را باید احراز کند حرج مشمول است.

داشتن حرج و ضرورت به معنی آن نیست که مشمول حالت مشمولیت خود را نیز از دست میدهد و به سر بازی نمی‌رود. در واقع کلیه تخلفات مشمول از نظر نظام وظیفه باقی است و تنها به گرفتاری وی رسیدگی میشود، تا معلوم شود آیا شخص سر باز میتواند با طرف خود معامله کند یا نه.

هنگامی که این امر دعوی شناخته نشد، اقامه آن به طرفیت فرد یا دستگاه معین نخواهد بود.

نتیجه

- از مجموع بحث این نتیجه گرفته میشود که:
- ۱ - دادگاه صالح برای رسیدگی به ضرورت و امر حرج مشمول، دادگاه عمومی است.
 - ۲ - متقاضی رسیدگی به حرج میتواند تقاضای خود را در قالب درخواست مطرح نماید و بنابراین موضوع محتاج به تقدیم دادخواست نیست، مضافاً اینکه رسیدگی به آن نیز فوریت دارد و این مطلب نیز باید مورد توجه قرار گیرد.
 - ۳ - هنگامی که دادخواست طرح نباشد، طرفیتی هم وجود نخواهد داشت طرف دعوی نه دفترخانه است و نه نظام وظیفه، مانع را قانون ایجاد کرده است و در عین حال به دادگاه صالح اجازه داده است که در صورتیکه تشخیص داد مشمول دارای حرج و ضرورت است محدودیت و ممنوعیت قانونی را بردارد.